

۲۰۲۲۴۴۴

مجموعه گونه گون

مدهق قدم ۱۴

مسعود ریاعی



انتشارات عصر کنکاش

تهران-۱۴۰۳

www.ketab.ir

فهرست مطالب

<p>است که هست</p> <p>۵۵ جهان و زخم‌ها بش</p> <p>۵۶ رهایی</p> <p>۵۷ بت بزرگ درون</p> <p>۵۸ دعای بگیر چگونه محقق می‌شود</p> <p>۵۹ فو اتنین مستحبط از خاموشی</p> <p>۶۰ هبوط و عروج</p> <p>۶۱ ماکول بیکرانگ</p> <p>۶۲ سؤال سالکانه</p> <p>۶۳ عطاپای پیشاپیش</p> <p>۶۴ خودت را ازالقا شیاطین بدراز</p> <p>۶۶ ساده‌ترین و سر راست‌ترین تعلیم اسراری</p> <p>۶۷ خود ساختگی</p> <p>۶۹ نکاح بششت و جهنم</p> <p>۷۰ روح جمعی و معبد حقیقی</p> <p>۷۱ کاریکاتور، من خود بنگری</p> <p>۷۲ عوامل تودرتو</p> <p>۷۳ حکایت طومار دوست</p> <p>۷۴ آینه‌واری</p> <p>۷۵ ازادی عن ذات است</p> <p>۷۶ راه هماهنگ با جریان ناب هستی</p> <p>۷۷ لطفن به تمام مرگ</p> <p>۷۸ ربط خودت را بمنه باش</p> <p>۸۰ حاشیه‌ای بر مبحث تغیر</p> <p>۸۴ درمی از حقیقت</p> <p>۸۵ حکایت نجاتمن بده</p> <p>۸۷ آنچه که همسی</p> <p>۸۸ بازمان و نه درزمان</p> <p>۸۹ درباب آزادی</p> <p>۹۱ رهایی از مساريوهای بارندگ</p>	<p>حکایت یاد</p> <p>نکته‌ای اسراری و ناگفته در باره امرئکن</p> <p>حوذهی وجودیات را جهانی کن</p> <p>جنون و نیوغ</p> <p>خریدار جان</p> <p>پازل بهم ریخته‌ی دنیا</p> <p>بیماری بی‌یقینی</p> <p>مؤمن آینه‌ی مؤمن است</p> <p>چه سنگین و پر ارزش است این خال!</p> <p>دوبار مرگ، دوبار زندگی</p> <p>سماع رهایی</p> <p>ذکروا الا</p> <p>رها از خواج پنداری</p> <p>ورطه‌ی ناشناخته‌ها</p> <p>روحهای سنگ</p> <p>رهایی از تصرف شدگی</p> <p>چرخهای ها و چرخه ها</p> <p>رها از سوساهی قدرت</p> <p>حاکمیت نورخورد</p> <p>رهایی از زنج</p> <p>ترکیبی از آموزه‌ی والئین والزئون</p> <p>فهرولطف حق</p> <p>خداحافظ رؤیاهای رنگارنگ</p> <p>فرار از زندان دنیا، نه قرار در آن</p> <p>گوهر کمیاب</p> <p>دویه‌یک</p> <p>آیا آنچه که می‌بینیم همان</p>
<p>۹</p> <p>۱۱</p> <p>۱۴</p> <p>۱۷</p> <p>۲۰</p> <p>۲۱</p> <p>۲۳</p> <p>۲۵</p> <p>۲۷</p> <p>۲۸</p> <p>۲۹</p> <p>۳۲</p> <p>۳۵</p> <p>۳۶</p> <p>۳۸</p> <p>۴۱</p> <p>۴۲</p> <p>۴۳</p> <p>۴۴</p> <p>۴۵</p> <p>۴۸</p> <p>۴۹</p> <p>۵۰</p> <p>۵۲</p> <p>۵۳</p> <p>۵۴</p>	<p>۱</p> <p>۱۱</p> <p>۱۴</p> <p>۱۷</p> <p>۲۰</p> <p>۲۱</p> <p>۲۳</p> <p>۲۵</p> <p>۲۷</p> <p>۲۸</p> <p>۲۹</p> <p>۳۲</p> <p>۳۵</p> <p>۳۶</p> <p>۳۸</p> <p>۴۱</p> <p>۴۲</p> <p>۴۳</p> <p>۴۴</p> <p>۴۵</p> <p>۴۸</p> <p>۴۹</p> <p>۵۰</p> <p>۵۲</p> <p>۵۳</p> <p>۵۴</p>

اراده‌ی تو، نه اراده‌ی من

وصل به حقیقت خویش

هدف ارزشمند رهایی

کاردزست

هستی که در نیستی ایستاده است

هر سخنی دروغ است

دروغگویی چه سخت است

ارتقاء ایمان با معرفت

دیدنی و نادیدنی

حضر

طریقت آزادگی

تعامل ناآشته مایین میل و جان

وسوسه‌ی هدایتگری

خالی بودن چه همراه خوبی است

نور و آگاهی

سکون و خادم

ایست

بیداری معمول، بیداری حقیقی

حکایت پیر صحر اگرد

جاهلیت

خاموشی و سخن

چه حاجت به تفسیر

توگل برپروردگار

نیزدهای یک مالک

آدمخواری

بازی و بازیگری در ستاریوی خدا

فقط برو

وجودهای بی وجود

فراتر برو

مثبت و منفی

بدترین نوع بردگی

حکایت پیرو آزادگی

۹۳

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۹۷

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۹

۱۲۰

۱۲۲

۱۲۳

۱۲۵

۱۲۶

۱۲۷

۱۲۹

۱۳۲

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۸

۱۳۹

پیر تو، خودبیت الی خودت ۱۴۱

است، پس به خود آی ۱۴۲

معرفت یافتن، یک عمل است ۱۴۳

موت دوم ۱۴۴

خداحافظ ذکر گذراست قدرش ۱۴۷

را بدان ۱۴۸

دریافتی اینچنین ۱۴۹

ازدواج سؤال با جواب ۱۵۰

یگانگی یگانه راه نجات واقعی ۱۵۱

رهایی از بند خدایان ۱۵۲

رهایی از اسارت‌های معنوی ۱۵۷

حدیث از دگی ۱۵۹

روحیه‌ی هرمی ۱۶۱

نیایش فرزانگان ۱۶۴

نیایش فرزانگان ۱۶۵

نقاشی عجیب از خانم ۱۶۶

نقاشی عجیب از خانم ۱۶۷

نقاشی عجیب از خانم ۱۶۸

نقاشی عجیب از خانم ۱۶۹

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۰

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۱

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۲

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۳

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۴

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۵

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۶

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۷

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۸

نقاشی عجیب از خانم ۱۷۹

نقاشی عجیب از خانم ۱۸۰

نقاشی عجیب از خانم ۱۸۱

نقاشی عجیب از خانم ۱۸۲

نقاشی عجیب از خانم ۱۸۳

نقاشی عجیب از خانم ۱۸۴

سخن با خوانندگان مطابق

بارها گفته‌ام و باز می‌گویم؛ من نه معلم مذهبی‌ام، نه عالم دینی‌ام، نه پیر و عارف و صوفی‌ام، و نه مبلغ ایدئولوژی خاصی‌ام. اصلاً ایده‌ای ندارم که بخواهم مبلغش باشم. اگرگاه چیزی می‌نویسم برای دل خودم است. مخاطبیش خودم هستم. به عنوان یک انسان عادی در کتاب وحی تدبیر می‌کنم تا شاید نکاتی کاربردی برای رهایی از رنج دنیا زدگی بیام و خود را از این صحرای شب‌زده برهانم. این یعنی هیچ‌تاه کسی را به خود نخوانده و نمی‌خوانم. بدنبال تغییر کسی هم نیستم. اینها هیچ‌کدام کار من نیست. زیرا من استاد و عالم و دانشمند نیستم. هیچ مقام زمینی و آسمانی هم ندارم. شیخ و مرشد و پیر و از این دست القاب هم نیستم. حتی بدنبال چاپ و نشر هیچ یک از نوشته‌هایم هم نیستم. اگر چاپ و نشری انجام می‌پذیرد برخی به خواست و نیت و اختیار خودشان انجام می‌دهند. مُخلص

کلام اینکه، اگر این نوشه‌ها برایتان کاربردی داشت و به دردتان خورد، نوش جاتان. و اگر نخورد، بی‌معطلی کنارشان بیندازید و وقت خود را تلف نکنید و بروید بر طبق خلق و خوی و استعداد خود، طریقت خود و معلم خاص خود را بباید که دعای خیر من همیشه بدرقه‌ی راه حق‌جویان خواهد بود.

م‍‍عوذه‌ی الله

www.ketab.ir